

ریاضی عشق می‌طلبد و عاشق می‌پروراند!

بیژن ظهوری زنگنه*

اینها، مسائل کتاب‌هایی روسی که به وسیله مرحوم پرویز شهریاری تألیف شده بود و همین‌طور مسائل کتاب‌های فرانسوی که به وسیله خود آقای حسام‌الدینی به ما داده می‌شد، به ایجاد عشق و علاقه ما به ریاضی، کمک فراوانی می‌کرد.

مرحوم صالح عطائی معلم دیگر ما بود که هندسه فضائی پایه ۱۱ و حساب استدلالی پایه ۱۲ را آموزش می‌داد. داستان‌های کلاس هندسه فضایی ایشان، هنوز برایم جذاب است. تمثیل‌های زیبایی که از جدا کردن فضا به وسیله یک صفحه با حرکت یک مگس از یک طرف نیم‌فضا به نیم‌فضای دیگر، مفهوم حرکت یک خم پیوسته از یک نقطه در یک نیم‌فضا به نقطه‌ای در نیم‌فضای دیگر و قطع کردن صفحه، جوک‌هایی که در کلاس مطرح می‌شد، همگی خاطره‌های شیرین آن کلاس است. در درس حساب استدلالی ششم دبیرستان نیز کتاب مسائل حساب استدلالی حریرچی را به کمک دانش‌آموزان، سر کلاس تدریس می‌کرد.

یکی از درس‌هایی که از مرحوم صالح عطائی یاد گرفتم، افتادگی و تواضع ایشان بود؛ تواضعی که به راحتی، چیزی را که نمی‌دانست، می‌گفت نمی‌دانم! چیزی که خیلی از انسان‌ها، آن را مخفی می‌کنند. داشتن صداقت با دانش‌آموز، بسیار شجاعت می‌خواهد و این چیزی بود که مرحوم عطائی آن را داشت و به شاگردانش یاد داد. روحش شاد.

آقای حسام‌الدینی بعدها به تهران آمدند و در تألیف کتب ریاضی دبیرستانی، مشارکت داشتند. البته مرحوم عطائی، تا آخر عمر پربرکتش در سنج ماند و در همان جا، با شکوه به خاک سپرده شد.

من با تعلیماتی که از این معلمان دیده بودم، عاشق ریاضی شدم و در سال ۱۳۴۶، وارد دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر سابق) شدم. ابتدا رشته مهندسی شیمی را انتخاب کردم. ولی در همان سال اول با گرفتن درس‌های ریاضی دانشگاهی با استادانی مانند دکتر بهمن مهری و خانم الیرابت فرانسون، دوباره عشق اول که ریاضی بود، مرا گرفتار کرد و سال دوم، به رشته ریاضی رفتم و در این رشته، ماندگار شدم.



شنیدن دریافت دومین جایزه فیلدز به یک متولد ایران از استان کردستان، برایم بسیار شوق‌انگیز بود. چون من چهار سال آخر دبیرستان خود را در این استان گذرانده بودم و این افتخار، مرا تشویق کرد که بار دیگر، از معلمان زحمتکش این استان، قدردانی کنم.

من از مهرماه سال ۱۳۴۲ تا آخر خرداد ۱۳۴۶، در شهر سنج درس خواندم. من در دبیرستان «هدایت» درس می‌خواندم. ابتدا مدیر دبیرستان آقای میرحسینی بودند و در سال‌های بعد، آقای محسن حسام‌الدینی مدیرمان شدند. معلمان این دبیرستان، به خصوص معلمان ریاضی، شوق و عشق نسبت به ریاضی را در من به وجود آوردند. در این دبیرستان، دو معلم تأثیرگذار ریاضی ما، آقای محسن حسام‌الدینی و مرحوم آقای صالح عطائی بودند. از هر دو معلم ریاضی و سایر معلمان مدرسه، خیلی چیزها آموختم. آقای محسن حسام‌الدینی، معلمی برجسته و بسیار باهوش و باسواد بودند که درس‌هایی که به ما ارائه می‌داد، فراتر از کتاب‌های درسی آن زمان بود. ایشان ما را با کتاب‌های گوناگون و مجله یکان آشنا نمود و حل مسایل مجله یکان، به عنوان یک عادت برای ما درآمده بود. کتاب‌های کمکی مانند دو هزار و پانصد مسئله مثلثات و مسائل لگاریتم، کتاب‌هایی بود که مسائلشان را حل می‌کردیم. علاوه بر

انگستان بوده، می‌گویند که کوچر، کتاب هندسه جبری می‌خوانده، عشقی که به وسیله خواندن کتاب هندسه جبری در او به وجود آمده و او را تشویق کرد که تحقیقات خود را در رشته هندسه جبری ادامه دهد. بنابراین، من از استاد وی در این درس آقای دکتر رحیم زارع‌نهندی، تشکر ویژه دارم. کار اصیل کردن در این رشته پیچیده که تلفیقی از مطالب متنوع ریاضی در زمینه هندسه جبری پیشرفته است، کار بسیار سختی است و کوچر بیرکار که به این رشته علاقه‌مند شد، کاری در تراز اول جهانی انجام داد که جایزه‌های متعددی را نصیب وی نمود که از همه مهم‌تر، اهدای مدال فیلدز به کوچر بود. کاری که کوچر انجام داد، باعث افتخار تمام ایرانیان شد. من این افتخار بزرگ را به پدر و مادر و خانواده کوچر، و به ویژه برادر ایشان «آقا حیدر» که در حقیقت اولین معلم ریاضی ایشان بوده، و جامعه ریاضی ایران و جهان، تبریک می‌گویم.

* دانشگاه صنعتی شریف



با شنیدن خبر دریافت جایزه فیلدز توسط کوچر بیرکار، فرزند شهر مریوان، این خاطرات در من دوباره زنده شد. برادر کوچر در دوره راهنمایی، به وی حسابان را آموزش داد و او بعد از دوره راهنمایی تحصیلی، به دبیرستان طالقانی در شهر مریوان رفته و بعد وارد دانشگاه تهران شد و در مسابقه دانشجویی انجمن ریاضی، مدال گرفت. یکی از دانشجویان سابق دانشگاه صنعتی شریف که همزمان با او در